

# بررسی تطبیقی ساختار اقتصادی تولید در واحدهای بهره‌برداری

محمد رضا حسینی کازرونی<sup>۱</sup>

## مقدمه

مقاله حاضر کوششی است در مقایسه وضعیت انواع واحدهای دهقانی (کوچک، متوسط و بزرگ)، واحدهای مختلط دهقانی - تجاری، و واحدهای کاملاً تجاری از جنبه‌های مختلف؛ به منظور تعیین قابلیت و مزیت‌های نسبی اقتصادی این واحدها در شرایط ادغام بخش کشاورزی کشور در بازارهای جهانی. چارچوب‌های انتخابی برای این مقایسه چنین است:

- ترکیب اراضی قابل کشت (زیرکشت و آیش)

- ترکیب اراضی زیر کشت (زراعی، باغ و قلمستان)

- ترکیب اراضی کشاورزی (آبی و دیم)

- ترکیب الگوی کشت (نسبت اراضی زیر کشت به تفکیک گروه محصولات اصلی و مهم)

- عملکرد در هکتار محصولات منتخب (گندم و جو)

همچنین در این مقاله کوشش شده است که قابلیت فعلی واحدهای دهقانی در مقایسه با سایر واحدها (دهقانی - تجاری و کاملاً تجاری) در کاشت محصولات نقدی و تجاری نشان داده شود، و هدف از این کار سنجش قابلیت واحدهای یاد شده در کاربرد بهینه عوامل تولید است. به قصد دستیابی به بهترین ساختار کاربری اراضی کشاورزی و نیز حداکثر استفاده از نیروی کار (به خصوص نیروی کار خانوادگی) در جهت دستیابی به حداکثر بازدهی تولید اقتصادی در واحد

---

۱. کارشناس ارشد مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی - مشاور معاونت برنامه‌ریزی و پشتیبانی وزارت کشاورزی

سطح. نتایج این مقایسه بازگویی آنست که در شرایط فعلی واحدهای دهقانی و به خصوص واحدهای دهقانی تا ۱۰ هکتار در تولید انواع محصولات نقدی و تجاری عمدتاً به دلیل در اختیار داشتن نیروی کار فراوان خانوادگی در مقایسه با سایر انواع واحدهای بهره‌برداری دارای مزیت نسبی‌اند.

ضمناً پیش‌بینی می‌شود که با توسعه کاشت محصولات نقدی و تجاری (و صادراتی) این گروه از بهره‌برداری‌ها از دو طریق درآمد بیشتری نیز به دست آورند: اول از طریق کاربرد بیشتر نیروی کار خانوادگی در واحدهای بهره‌برداری ملکی و خودکار، و دوم عرضه و فروش نیروی کار خانوادگی به سایر واحدهای بهره‌برداری کشاورزی که متقاضی نیروی کار کشاورزیند.

ساختار اراضی کشاورزی در طبقات بهره‌برداری و در انواع بهره‌برداری (اعم از دهقانی کوچک، متوسط و بزرگ، بهره‌برداری مختلط دهقانی - تجاری و در بهره‌برداری‌های تجاری) به نحو قابل تأملی متفاوت است. به سخن دیگر، مجموعه و ترکیب عواملی که منجر به عملکرد اقتصادی متفاوت در واحدهای بهره‌برداری می‌شود بسیار متنوع است. اما بنظر می‌رسد که اصلی‌ترین عامل در میزان عملکرد در هکتار بالا، متوسط و یا پایین اقتصادی و همچنین بنیادی‌ترین عامل در کاربرد وسیع‌ترین و متنوع‌ترین شکل استفاده از زمین و یا به عکس کاربرد محدود و کمتر متنوع استفاده از اراضی کشاورزی نیز نحوه بهره‌گیری از عامل نیروی کار است. این قانونمندی موجب می‌شود که بهره‌برداری‌های دهقانی که نیروی کار خانوادگی بیشتری دارند نسبت به بهره‌برداری‌های دهقانی‌ای که نیروی کار خانوادگی محدودتری (درمقایسه با وسعت اراضی تحت اختیار) دارند بتوانند زمین بیشتری را به زیر کشت ببرند و این خود سبب می‌شود که میزان کمتری را به آیش بگذرانند و سهم بیشتری را به کشت آبی اختصاص دهند، و تنوع کشت و تنوع بهره‌برداری بیشتری (زراعی، باغی و قلمستان) را به کار بندند و نسبت الگوی کشت آنان در مقایسه با بهره‌برداری‌های با نیروی کار کمتر (بهره‌برداری‌های متوسط و بزرگ دهقانی) متنوع‌تر و حساسیت آنان به نوسان‌های بازار بیش‌تر باشد. برآیند این وضعیت بهره‌برداری متنوع‌تر و عملکرد اقتصادی بیش‌تر از یک هکتار زمین در بهره‌برداری‌های دهقانی کوچک در مقایسه با متوسط و بهره‌برداری دهقانی متوسط در مقایسه با بهره‌برداری دهقانی

بزرگ است.

نیروی کار خانوادگی در بهره‌برداری‌های دهقانی کشور مهمترین و اصلیت‌ترین عامل تعیین کننده عملکرد اقتصادی تولید در بهره‌برداری‌ها و عامل اصلی در استفاده بهینه و مطلوب اقتصادی از اراضی کشاورزی است.

در بهره‌برداری‌های کوچک دهقانی فراوانی نیروی کار خانوادگی (عامل نیروی کار) با توجه به اندازه محدود زمین موجب تنظیم و سازماندهی ساختار ترکیب اراضی کشاورزی بر پایه نیاز بیشتر به نیروی کار می‌شود. اما به عکس محدودیت میزان نیروی کار خانوادگی در بهره‌برداری‌های دهقانی متوسط و بزرگ موجب می‌شود که ساختار ترکیب اراضی کشاورزی بر پایه نیاز کمتر به نیروی کار سازماندهی و تنظیم شود. بنابراین ترکیب اراضی کشاورزی (آبی به دیم)، ترکیب اراضی زیر کشت (زراعی به باغ و قلمستان)، ترکیب اراضی قابل کشت (زیر کشت و آیش)، ترکیب زیر کشت (انواع محصولات) و کاشت محصولات کارگبر... به نوعی تابع نیروی کار خانوادگی بهره‌بردار دهقانی بوده و بر حسب فراوانی یا کمبود آن ساختار بهره‌برداری از اراضی کشاورزی نیز به نحوی شکل می‌گیرد که بنا به آن عملکرد اقتصادی در واحد سطح بهره‌برداری‌های دهقانی کوچک به مراتب بیش‌تر از بهره‌برداری‌های متوسط و بزرگ دهقانی باشد. به سخن دیگر تجلی آثار مثبت نیروی کار خانوادگی در بهره‌برداری‌های کوچک و آثار منفی آن در بهره‌برداری‌های متوسط و بزرگ در عملکرد اقتصادی در هکتار هریک از محصولات زراعی متجلی می‌شود. که این عملکرد با اندازه اراضی کشاورزی بهره‌برداری‌های دهقانی همبستگی معکوس دارد. یعنی هرچه اندازه اراضی کشاورزی بهره‌برداری کوچک‌تر باشد بهره‌برداری دهقانی با استفاده از نیروی کار فراوان خانوادگی و شدت کار در واحد سطح در مقایسه با بهره‌برداری‌های متوسط و بزرگ دهقانی عملکرد بالاتری خواهد داشت. هرچند این رخداد در مقیاس خانوار بهره‌بردار (در سطح اقتصاد خرد) مثبت است اما در سطح اقتصاد کلان (در بخش کشاورزی) منفی ارزیابی می‌شود. بنابراین بر پایه شناخت وضعیت فوق می‌باید ترتیبی اتخاذ شود که افزایش بازدهی یا بهره‌وری در واحد سطح (Efficiency) به افزایش بهره‌وری (Productivity) در بخش کشاورزی و اقتصاد کلان تبدیل شود.

## ۱. اراضی کشاورزی (آبی و دیم)

متوسط نسبت اراضی آبی به کل اراضی بهره‌برداری‌ها در بین بهره‌برداری‌های با زمین کشور برابرست با  $3/44\%$ . به سخن دیگر،  $7/55\%$  از اراضی بهره‌برداری‌های با زمین دیم است.

نسبت اراضی آبی به کل اراضی کشاورزی در بین بهره‌برداری‌های با زمین دهقانی کشور با اندازه و سمت بهره‌برداری دهقانی همبستگی معکوس دارد. به عبارت دیگر نسبت اراضی آبی به کل اراضی کشاورزی واحد بهره‌برداری در میان بهره‌برداری‌های کم‌زمین به مراتب بیش‌تر از بهره‌برداری‌های دارای اراضی متوسط و بزرگ کشاورزی است. این قانونمندی در کلیه اراضی بهره‌برداری‌های دهقانی کشور (تا ۵۰ هکتار زمین کشاورزی) صادق است. اما این قانونمندی در بهره‌برداری‌های ۵۰ تا ۱۰۰ هکتار (مختلط دهقانی و تجاری) و ۱۰۰ هکتار و بیشتر (تجاری) با توجه به سطح توسعه مکانیزاسیون و تکنولوژی تولید و کاربرد نیروی کار دستمزدی و با توجه به شرایط گذار بهره‌برداری‌ها از دهقانی به تجاری به طور تدریجی و بطئی در حال تغییر است. همانگونه که اشاره شد نسبت اراضی آبی به کل اراضی کشاورزی به ترتیب در واحدهای بهره‌برداری دهقانی کوچک به متوسط و بزرگ بیشتر است.

جدول ۱ نشان می‌دهد که بیش‌ترین نسبت اراضی آبی به کل اراضی کشاورزی بهره‌برداری در واحدهای دهقانی کوچک (کم‌تر از ۵ هکتار) و همچنین واحدهای تجاری بزرگ (۱۰۰ هکتار و بیشتر) متمرکز است. نامطلوب‌ترین وضعیت از این نظر به ترتیب بهره‌برداری‌های دهقانی ۲۵ تا ۵۰ هکتار (با شاخص ۷۷) و بهره‌برداری‌های دهقانی ۱۰ تا ۲۵ هکتار (با شاخص ۸۳) و بهره‌برداری‌های مختلط دهقانی و تجاری ۵۰ تا ۱۰۰ هکتار (با شاخص ۸۷) اختصاص دارد. نسبت اراضی کشاورزی دیم به کل اراضی بهره‌برداری‌ها در سطح کشور برابر با  $7/55\%$  است. نسبت اراضی دیم به کل اراضی کشاورزی در بین بهره‌برداری‌های با زمین دهقانی کشور با اندازه مساحت بهره‌برداری دهقانی همبستگی مثبت دارد. به این ترتیب که نسبت اراضی دیم به کل اراضی کشاورزی در بین بهره‌برداری‌های کم‌زمین به مراتب کمتر از بهره‌برداری‌های دارای اراضی متوسط و بزرگ کشاورزی است. این قانونمندی نظیر مورد قبلی در کلیه اراضی بهره‌برداری‌های دهقانی (تا ۵۰ هکتار زمین کشاورزی) صادق است. اما در بهره‌برداری‌های ۵۰

جدول ۱. بهره‌برداری‌های بازمین بر حسب وسعت اراضی کشاورزی بهره‌برداری‌ها و نسبت اراضی آبی و دیم به کل اراضی کشاورزی (درصد)

دیم		آبی		وسعت اراضی کشاورزی (به هکتار)
شاخص *	نسبت اراضی	شاخص *	نسبت اراضی	
۴۵	۲۴/۹	۱۷۰	۷۵/۱	کمتر از ۲
۷۹	۴۴/۰	۱۲۶	۵۶/۰	۲ تا ۵
۹۶	۵۳/۶	۱۰۵	۴۶/۴	۵ تا ۱۰
۱۱۳	۶۳/۱	۸۳	۳۶/۹	۱۰ تا ۲۵
۱۱۸	۶۵/۸	۷۷	۳۴/۲	۲۵ تا ۵۰
۱۱۰	۶۱/۴	۸۷	۳۸/۶	۵۰ تا ۱۰۰
۸۶	۴۷/۷	۱۱۸	۵۲/۳	۱۰۰ و بیشتر
۱۰۰	۵۵/۷	۱۰۰	۴۴/۳	متوسط کل کشور

\* متوسط کل کشور = ۱۰۰

مأخذ: سرشماری عمومی کشاورزی ۱۳۶۷، نتایج تفصیلی کل کشور

۱۰۰ هکتار (که آمیزه‌ای از بهره‌برداری‌های دهقانی و تجاری است) و در بهره‌برداری‌های ۱۰۰ هکتار و بیشتر (تجاری) نیز صادق نیست. نسبت اراضی دیم به کل اراضی کشاورزی در بین بهره‌برداری‌های دهقانی کمتر از ۲ هکتار ۲۴/۹٪ (با شاخص ۴۵)، در ۲ تا ۵ هکتار ۴۴٪ (با شاخص ۷۹)، در ۵ تا ۱۰ هکتار ۵۳/۶٪ (با شاخص ۹۶)، در ۱۰ تا ۲۵ هکتار ۶۳/۱٪ (با شاخص ۱۱۳) و در بهره‌برداری دهقانی ۲۵ تا ۵۰ هکتار ۶۵/۸٪ (با بالاترین شاخص = ۱۱۸) است. نسبت اراضی دیم به کل اراضی کشاورزی در میان گروه بهره‌برداری‌های مختلط (دهقانی - تجاری) ۶۱/۴٪ (با شاخص ۱۱۰) و در بهره‌برداری‌های تجاری ۱۰۰ هکتار و بیشتر ۴۷/۷٪ (با شاخص ۸۶) است.

ترکیب اراضی آبی و دیم به کل اراضی کشاورزی در میان بهره‌برداری‌های دهقانی به نوعی با نیروی کار خانوادگی و در میان بهره‌برداری‌های ۵۰ تا ۱۰۰ هکتاری مختلط (دهقانی -

تجاری) و بهره‌برداری‌های تجاری (۱۰۰ هکتار و بیشتر) به نوهی تابع ترکیب نیروی کار خانوادگی و به کارگیری نیروی کار دستمزدی و مرحله پیشرفتگی تکنولوژی تولید و توسعه مکانیزاسیون است. اما گفتنی است که فراوانی نیروی کار خانوادگی و محدودیت آن در میان بهره‌برداری‌های دهقانی کشور (تا ۵۰ هکتار) عامل تعیین‌کننده ساختار اراضی کشاورزی (نسبت اراضی آبی و دیم) در بین این گروه از بهره‌برداری‌ها است. و درجه پیشرفتگی واحدهای مختلط (دهقانی - تجاری) با وسعت ۵۰ تا ۱۰۰ هکتار) و واحدهای کاملاً تجاری (بیش از ۱۰۰ هکتار) به نسبت کاربرد نیروی کار دستمزدی در کنار نیروی کار خانوادگی عامل تعیین‌کننده ساختار موجود اراضی کشاورزی (نسبت اراضی آبی و دیم) است. هم از این‌روی می‌باید عوامل محدود کننده کاربرد بهینه نیروی کار دستمزدی در واحدهای بهره‌برداری کشاورزی کشور شناخته شده و ترتیبی اتخاذ شود که موانع فوق برطرف شده با این اقدام عملکرد در هکتار واحدهای دهقانی با وسعت زیاد نیز بهینه و اقتصادی شود.

## ۲. ترکیب مجموع مساحت اراضی کشاورزی آبی و دیم (اراضی زراعی و باغ و قلمستان)

بهره‌برداری‌های دهقانی میزان نیروی کار خانوادگی و میزان اراضی کشاورزی تحت اختیارشان را با میزان تنوع در استفاده از اراضی بهره‌برداری تطبیق می‌دهند. به این ترتیب بهره‌برداری‌های کوچک دهقانی به منظور کاربرد وسیع نیروی کار خانوادگی در امر تولید از الگویی در ترکیب اراضی کشاورزی استفاده می‌کنند که در آن نسبت اراضی باغ و قلمستان به مراتب بیش از بهره‌برداری‌های متوسط و بزرگ دهقانی است. به سخن دیگر بهره‌برداری‌های متوسط و بزرگ دهقانی به دلیل محدودیت نیروی کار خانوادگی (در ارتباط با وسعت اراضی) در نحوه کاربری اراضی کشاورزی از الگویی استفاده می‌کنند که برطبق آن نسبت اراضی زراعی واحد بهره‌برداری بیش‌تر از این نسبت در میان بهره‌برداری دهقانی کوچک است.

### ۲.۱ اراضی زراعی

بین نسبت اراضی زراعی به کل اراضی کشاورزی بهره‌برداری‌های دهقانی و وسعت اراضی بهره‌برداری‌ها همبستگی مثبت وجود دارد. به سخن دیگر همراه با افزایش میزان

مساحت بهره‌برداری نسبت اراضی زراعی به کل اراضی کشاورزی افزایش می‌یابد و در مقابل با کاهش میزان مساحت بهره‌برداری نسبت اراضی زراعی به کل اراضی کشاورزی کاهش می‌یابد. همان‌طور که در جدول ۲ دیده می‌شود بالاترین نسبت اراضی زراعی به کل اراضی کشاورزی متعلق به واحدهای بهره‌برداری کاملاً تجاری است که ۹۶ درصد از مجموع وسعت اراضی کشاورزی را به کشت محصولات زراعی اختصاص می‌دهند و در مقابل پایین‌ترین نسبت به واحدهای بهره‌برداری دهقانی کوچک (کم‌تر از ۲ هکتار) اختصاص دارد که سهم وسعت اراضی زراعی به کل اراضی کشاورزی در آنها ۷۴/۱ درصد است و این بازگویی تخصیص بهینه اراضی به فعالیت‌های متنوع و مکمل (زراعی و باغی) در سطح این قبیل واحدهای بهره‌برداری است.

دهقانی (۵۰ هکتاری) اندکی کاهش یافته به رقم ۹۴/۳٪ می‌رسد. این نسبت در بین بهره‌برداری‌های کاملاً تجاری (۱۰۰ هکتار و بیشتر) ۹۶٪ و معادل بهره‌برداری‌های دهقانی ۱۰ تا ۲۵ هکتاری است.

## ۲-۲. اراضی زیرکشت باغ و قلمستان

### ۱) اراضی زیرکشت باغ

بین نسبت اراضی باغ به کل اراضی کشاورزی بهره‌برداری‌های دهقانی با وسعت اراضی بهره‌برداری‌های همبستگی معکوس به چشم می‌خورد. به سخن دیگر همراه با کاهش میزان مساحت بهره‌برداری نسبت اراضی باغ افزایش یافته در مقابل با افزایش میزان مساحت بهره‌برداری نسبت اراضی باغ به کل اراضی کشاورزی کاهش می‌یابد.

نسبت اراضی باغی به کل اراضی کشاورزی در بهره‌برداری‌های دهقانی کمتر از ۲ هکتار ۲۴/۷٪، در ۲ تا ۵ هکتار ۹/۸٪، در ۵ تا ۱۰ هکتار ۵/۴٪، در ۱۰ تا ۲۵ هکتار ۳/۶٪ و در ۲۵ تا ۵۰ هکتار ۳/۲٪ است. سهم اراضی باغ در بهره‌برداری‌های کاملاً تجاری (بیش از ۱۰۰ هکتار) ۲/۹٪ است.

### ۲) اراضی زیرکشت قلمستان

بین نسبت اراضی زیرکشت قلمستان به کل اراضی کشاورزی بهره‌برداری‌های دهقانی و

وسعت اراضی بهره‌برداری‌ها همبستگی معکوس وجود دارد. به سخن دیگر، با کاهش میزان مساحت بهره‌برداری، نسبت اراضی قلمستان افزایش می‌یابد. در مقابل با افزایش میزان مساحت بهره‌برداری، نسبت اراضی قلمستان به کل اراضی کشاورزی کاهش می‌یابد.

همان‌طور که در جدول ۲ می‌توان دید بالاترین نسبت اراضی اختصاص یافته به قلمستان در مقایسه با کل اراضی کشاورزی به بهره‌برداری‌های کمتر از ۲ هکتار (۱/۲٪) اختصاص دارد. و پائین‌ترین نسبت آن نیز متعلق به بهره‌برداری‌های ۱۰ تا ۵۰ هکتاری (۰/۶٪) است. این نسبت در بهره‌برداری‌های مختلط دهقانی - تجاری و بهره‌برداری‌های کاملاً تجاری برابر با ۱/۱٪ است.

جدول ۲. بهره‌برداری‌های با زمین بر حسب وسعت اراضی کشاورزی بهره‌برداری‌ها و نسبت اراضی زراعی و باغ و قلمستان به کل اراضی کشاورزی (درصد)

نسبت باغ و قلمستان			نسبت اراضی زراعی	وسعت اراضی کشاورزی (به هکتار)
قلمستان	باغ	جمع		
۱/۲	۲۴/۷	۲۵/۹	۷۴/۱	کمتر از ۲
۰/۸	۹/۸	۱۰/۶	۸۹/۲	۲ تا ۵
۰/۷	۵/۴	۶/۱	۹۳/۹	۵ تا ۱۰
۰/۶	۳/۶	۴/۰	۹۶/۰	۱۰ تا ۲۵
۰/۶	۳/۲	۳/۸	۹۶/۲	۲۵ تا ۵۰
۱/۱	۴/۶	۵/۷	۹۴/۳	۵۰ تا ۱۰۰
۱/۱	۲/۹	۴/۰	۹۶/۰	۱۰۰ و بیشتر
۰/۸	۵/۶	۶/۴	۹۳/۶	متوسط کل کشور

مأخذ: سرشماری عمومی کشاورزی ۱۳۶۷، نتایج تفصیلی کل کشور

### ۳. ترکیب مساحت اراضی آبی کشاورزی (اراضی زراعی و باغ و قلمستان آبی)

بهره‌برداری‌های دهقانی به منظور تشدید بهره‌برداری از نیروی کار خانوادگی و استفاده بیش‌تر از آن (افزایش بهره‌وری از نیروی کار) در اراضی آبی کشاورزی از نسبت اراضی زراعی



خود کاسته به نسبت اراضی باغ و قلمستان می‌افزاید. به این ترتیب بهره‌برداری‌های کوچک دهقانی با به‌کارگیری وسیع نیروی کار خانوادگی در اراضی آبی کشاورزی (در مقایسه با کل اراضی کشاورزی اهم از آبی و دیم) به نسبت اراضی باغ و قلمستان خود در مقایسه با نسبت آن در بهره‌برداری‌های متوسط و بزرگ دهقانی می‌افزایند.

### ۱-۳. اراضی آبی زراعی

بین نسبت اراضی آبی زراعی به کل اراضی آبی کشاورزی بهره‌برداری‌های دهقانی وسعت اراضی بهره‌برداری همبستگی مثبت وجود دارد. به سخن دیگر، با گسترش میزان مساحت بهره‌برداری آبی، نسبت اراضی آبی زراعی به کل اراضی آبی کشاورزی افزایش یافته در مقابل آن با محدود شدن میزان مساحت بهره‌برداری نسبت اراضی آبی زراعی به کل اراضی آبی کشاورزی کاهش می‌یابد.

۸/۸۷٪ از کل اراضی آبی کشاورزی بهره‌برداری‌های کشور اراضی آبی زراعی، ۸/۱۰٪ اراضی باغی و ۴/۱٪ اراضی زیر کشت قلمستان (و در مجموع ۲/۱۲٪ از اراضی آبی کشاورزی زیر کشت باغ و قلمستان) است.

نسبت اراضی آبی زراعی به کل اراضی آبی کشاورزی در بهره‌برداری‌های دهقانی کمتر از ۲ هکتار ۲/۷۲٪، در ۲ تا ۵ هکتار ۷/۸۴٪، در ۵ تا ۱۰ هکتار ۷/۸۸٪، در ۱۰ تا ۲۵ هکتار ۵/۹۰٪ و در ۲۵ تا ۵۰ هکتار ۹۰٪ است. این نسبت در بهره‌برداری‌های ۵۰ تا ۱۰۰ هکتار مختلط دهقانی - تجاری ۴/۸۶٪ و در بهره‌برداری تجاری ۶/۹۳٪ است که بازگویی اختصاص سهم بیش‌تری از اراضی آبی کشاورزی به فعالیت زراعی (آبی) در واحدهای بهره‌برداری بزرگ مقیاس و به ویژه واحدهای تجاری است.

### ۲-۳. اراضی باغ و قلمستان (آبی)

#### ۱-۲-۳. اراضی زیر کشت باغ (آبی)

بین نسبت اراضی آبی باغ به کل اراضی آبی کشاورزی بهره‌برداری‌های دهقانی و وسعت اراضی بهره‌برداری‌های کشور همبستگی معکوس به چشم می‌خورد. به سخن دیگر، با کاهش

میزان مساحت بهره‌برداری، نسبت اراضی آبی باغ افزایش یافته در مقابل آن با افزایش میزان مساحت بهره‌برداری، نسبت اراضی آبی باغ به کل اراضی آبی کشاورزی کاهش می‌یابد.

همان‌طور که در جدول ۳ دیده می‌شود بالاترین نسبت اراضی آبی باغ به کل اراضی آبی کشاورزی مربوط به بهره‌برداری‌های دهقانی کمتر از ۲ هکتار (۲۶/۶٪)، نازل‌ترین و پائین‌ترین نسبت آن متعلق به واحدهای بهره‌برداری کاملاً تجاری (۵/۲٪) است. این مطلب مؤید عقب‌ماندگی بهره‌برداری‌های کشاورزی تجاری کشور در زمینه مورد بحث است.

#### ۲-۲-۳. اراضی زیر کشت قلمستان (آبی)

بین نسبت اراضی آبی زیر کشت قلمستان به کل اراضی آبی کشاورزی بهره‌برداری‌های دهقانی و وسعت اراضی بهره‌برداری‌ها همبستگی مثبت وجود دارد. به سخن دیگر، با کاهش میزان مساحت بهره‌برداری نسبت قلمستان آبی به کل اراضی آبی کاهش یافته و به عکس با افزایش میزان مساحت بهره‌برداری نسبت قلمستان آبی نیز افزایش می‌یابد.

نسبت اراضی آبی قلمستان به کل اراضی بهره‌برداری‌های دهقانی کمتر از ۵ هکتار ۱/۱٪، در ۵ تا ۱۰ هکتاری ۱/۳٪، در ۱۰ تا ۲۵ هکتار ۱/۵٪ و در ۲۵ تا ۵۰ هکتار ۱/۸٪ درصد است. این نسبت در بهره‌برداری‌های مختلط دهقانی تجاری (۵۰ تا ۱۰۰ هکتاری) به بالاترین میزان (۲/۶٪) می‌رسد. نسبت فوق در بهره‌برداری‌های کاملاً تجاری ۱۰۰ هکتار از نو کاهش یافته و به رقم ۱/۲ درصد می‌رسد.

شعبه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مرکز تحقیقات علمی و پژوهشی

#### ۴. ترکیب اراضی زیر کشت و آیش

نقش نیروی کار خانوادگی بمثابة مهم‌ترین عامل تولید کشاورزی (نیروی کار) در نسبت به زیر کشت بردن اراضی کشاورزی و همچنین میزان آیش‌گذاری آن به خوبی مشهود است.

#### ۱-۲. اراضی زیر کشت کشاورزی

بطور کلی حدود دوسوم (۶۶/۷٪) از اراضی کشاورزی بهره‌برداری‌های کشور زیر کشت و یک‌سوم (۳۳/۳٪) آن آیش است.

جدول ۳. بهره‌برداری‌های بازمین آبی بر حسب وسعت اراضی کشاورزی بهره‌برداری‌ها و نسبت اراضی آبی زراعی و باغ و قلمستان به کل اراضی آبی کشاورزی (درصد)

نسبت باغ و قلمستان			نسبت اراضی زراعی (آبی)	وسعت اراضی کشاورزی (به هکتار)
قلمستان آبی	باغ آبی	جمع		
۱/۱	۲۶/۶	۲۷/۷	۷۲/۲	کمتر از ۲
۱/۱	۱۴/۲	۱۵/۳	۸۴/۷	۲ تا ۵
۱/۳	۱۰/۰	۱۱/۳	۸۸/۷	۵ تا ۱۰
۱/۵	۸/۰	۹/۵	۹۰/۵	۱۰ تا ۲۵
۱/۸	۸/۲	۱۰/۰	۹۰/۰	۲۵ تا ۵۰
۲/۶	۱۱/۱	۱۳/۶	۸۶/۴	۵۰ تا ۱۰۰
۱/۲	۵/۲	۶/۴	۹۳/۶	۱۰۰ و بیشتر
۱/۴	۱۰/۸	۱۲/۲	۸۷/۸	متوسط کل کشور

مأخذ: سرشماری عمومی کشاورزی ۱۳۶۷، نتایج تفصیلی کل کشور

بین بالا بودن نسبت اراضی زیر کشت و پائین بودن اندازه بهره‌برداری‌های دهقانی رابطه معکوس وجود دارد. به سخن دیگر، نسبت اراضی زیر کشت بهره‌برداری‌های دهقانی کوچک به مراتب بیش‌تر از همین نسبت در بهره‌برداری‌های متوسط و بزرگ است. میانگین نسبت زیر کشت بهره‌برداری‌های کشور برابر با ۶۶/۷٪ از کل اراضی (زیر کشت + آیش) کشاورزی است. این نسبت در بهره‌برداری‌های کمتر از ۲ هکتار به حداکثر میزان (۸۶٪) در سطح بهره‌برداری‌های دهقانی کشور افزایش و در بهره‌برداری‌های دهقانی ۲۵ تا ۵۰ هکتار به حداقل میزان (۶۱/۱٪) در سطح بهره‌برداری‌های دهقانی کشور کاهش می‌یابد. نسبت فوق در بهره‌برداری ۲ تا ۵ هکتار ۷۶/۴٪، در ۵ تا ۱۰ هکتار ۶۹/۷٪، در ۱۰ تا ۲۵ هکتار ۶۴/۲٪ است.

نسبت اراضی زیر کشت بهره‌برداری‌های مختلط دهقانی - تجاری (۵۰ تا ۱۰۰ هکتار) به کل اراضی (زیر کشت + آیش) و بهره‌برداری‌های کاملاً تجاری (بیش از ۱۰۰ هکتار) فقط اندکی

بیشتر از بهره‌برداری‌های دهقانی بزرگ (۲۵ تا ۵۰ هکتار) است. این نسبت در بهره‌برداری‌های مختلط ۶۲/۱٪ و در بهره‌برداری‌های کاملاً تجاری ۶۲/۳٪ است. وضعیت نسبت اراضی زیر کشت در میان بهره‌برداری‌های دهقانی، مختلط و کاملاً تجاری از سویی بازگویی فراوانی نیروی کار خانوادگی در میان بهره‌برداری دهقانی کوچک و محدودیت نیروی کار خانوادگی بهره‌برداری‌های دهقانی متوسط و بزرگ و از سویی دیگر محدودیت شدید نیروی کار خانوادگی در بین بهره‌برداری‌های مختلط دهقانی - تجاری و همچنین بکار نبردن وسیع نیروی کار دستمزدی در واحدهای کاملاً تجاری است. این مطلب گویای آنست که در شرایط فعلی در بهره‌برداری و استفاده مطلوب از اراضی کشاورزی کشور اکثر بهره‌برداری‌های به دلایل گوناگون از جمله عدم تثبیت وضعیت مالکیت در حد قابل قبول جامعه دهقانی و روستایی کشور، نبودن شرایط و تسهیلات لازم برای خرید و فروش اراضی، نبودن ارتباط توسعه یافته بین بخش کشاورزی ایران با بازارهای جهانی، نبودن بازار وسیع برای تولیدات با ارزش افزوده بالا، نبودن شبکه توزیع مطلوب، ناکامل بودن صنایع تبدیلی و بسته‌بندی و کمبود سرمایه‌گذاری و نظایر آن، از کاربرد نیروی کار دستمزدی در سطح مطلوب امتناع می‌کنند.

شاید به کار نبردن نیروی کار دستمزدی در سطح واحدهای بهره‌برداری کشور اصلی‌ترین عامل عقب‌ماندگی بخش کشاورزی و نیز مهم‌ترین علت محدود بودن میزان و تنوع عملکرد اقتصادی تولیدات این بخش باشد. برآیند این وضعیت، عملکرد اقتصادی محدود بخش کشاورزی کشور در مقایسه با بخش کشاورزی کشورهای پیشرفته است.

## ۲-۴. اراضی آیش

همان‌طور که اشاره شد حدود ۳۳/۳ اراضی قابل کشت (آیش و زیر کشت) بهره‌برداری‌های کشور بصورت آیش‌گذاری به طور موقت از چرخه تولید کشاورزی کنار گذاشته می‌شود.

بین بالا بودن نسبت اراضی آیش و بزرگ بودن اندازه واحد بهره‌برداری همبستگی مثبت وجود دارد. به سخن دیگر، همواره با افزایش و بزرگ شدن مساحت اراضی بهره‌برداری نسبت مساحت اراضی آیش افزایش و با کاهش و کوچک شدن اراضی بهره‌برداری نسبت مساحت

اراضی آیش کاهش می‌یابد. سهم اراضی آیش در واحدهای بهره‌برداری دهقانی کمتر از ۲ هکتار به میزان حداقل در مقایسه با این نوع اراضی در کل واحدهای بهره‌برداری‌های کشور به (۱۴٪) می‌رسد و به عکس سهم این نوع اراضی (اراضی آیش) در بهره‌برداری‌های دهقانی ۲۵ تا ۵۰ هکتار به میزان حداکثر (۳۸/۹٪) در مقایسه با این نوع اراضی در کل واحدهای بهره‌برداری دهقانی تا ۵۰ هکتار کشور است. نسبت اراضی آیش در بهره‌برداری‌های مختلط دهقانی - تجاری و بهره‌برداری‌های کاملاً تجاری بالنسبه بالا بوده و در بهره‌برداری‌های مختلط به ۳۷/۹٪ و در بهره‌برداری‌های تجاری به ۳۷/۷٪ می‌رسد.

محسوس‌ترین عامل عدم کاربرد نیروی کار بهینه در گروه بهره‌برداری‌های دهقانی متوسط و بزرگ و بهره‌داری‌های مختلط دهقانی - تجاری (۵۰ تا ۱۰۰ هکتاری) و بهره‌برداری تجاری (۱۰۰ هکتار و بیشتر) بالا بودن نسبت اراضی در آیش‌گذاری در این نوع از بهره‌برداری‌های کشور است. شاخص نسبت اراضی آیش‌گذاری شده بهره‌برداری‌های دهقانی و مختلط (دهقانی - تجاری) و بهره‌برداری‌های تجاری (بر پایه کوچک‌ترین بهره‌برداری‌های دهقانی کمتر از ۲ هکتار = ۱۰۰) گویای آنست که به کار نبردن وسیع نیروی کار در بهره‌برداری به رها کردن اراضی و آیش‌گذاری در حد زیاد آن می‌انجامد. درحالی‌که اگر شاخص نسبت اراضی آیش کوچک‌ترین گروه بهره‌برداری‌های دهقانی (کمتر از ۲ هکتار) معادل ۱۰۰ در نظر گرفته شود این شاخص در بهره‌برداری‌های ۲ تا ۵ هکتار به ۱۶۹ در بهره‌برداری‌های ۵ تا ۱۰ هکتار به ۲۱۶، در ۱۰ تا ۲۵ هکتار به ۲۵۶ و در بهره‌برداری‌های دهقانی ۲۵ تا ۵۰ هکتار به ۲۷۸ افزایش می‌یابد. این شاخص در بهره‌برداری‌های مختلط دهقانی - تجاری (۵۰ تا ۱۰۰ هکتاری) در مقایسه با بزرگ‌ترین واحدهای بهره‌برداری دهقانی اندکی کاهش یافته و ۲۷۱ و در واحدهای کاملاً تجاری (۱۰۰ هکتاری و بیشتر) به ۲۶۹ می‌رسد.

ناممکن بودن کاربرد بهینه نیروی انسانی در واحدهای بهره‌برداری کشور، که ناشی از دلایل متعدد موجود در الگوی بهره‌برداری زراعی و باغی کشور است، موجب می‌شود که بخش مهمی (۵/۴ میلیون هکتار) از اراضی قابل کشت کشور از فرایند تولید و ایجاد ارزش افزوده خارج گردد. باید توجه دات که این میزان اراضی (۵/۴ میلیون هکتار) از بهترین اراضی قابل کشت کشور بوده و طی سالیان دراز سرمایه‌گذاری‌های زیادی جهت بهره‌برداری از آن روی

جدول ۲- بهره‌برداری‌های دارای اراضی زراعی (آبی و دیم) بر حسب وسعت اراضی کشاورزی و نسبت اراضی زیر کشت و آیش به کل اراضی کشاورزی (آبی و دیم) درصد

اراضی آیش		نسبت اراضی زیر کشت به کل اراضی	وسعت اراضی کشاورزی (به هکتار)
شاخص*	نسبت به کل اراضی		
۱۰۰	۱۴/۰	۸۶/۰	کمتر از ۲
۱۶۹	۲۳/۶	۷۶/۴	۲ تا ۵
۲۱۶	۳۰/۳	۶۹/۷	۵ تا ۱۰
۲۵۶	۳۵/۸	۶۴/۲	۱۰ تا ۲۵
۲۷۹	۳۸/۹	۶۱/۱	۲۵ تا ۵۰
۲۷۱	۳۷/۹	۶۲/۱	۵۰ تا ۱۰۰
۲۶۹	۳۷/۷	۶۲/۳	۱۰۰ و بیشتر
۲۳۸	۳۳/۳	۶۶/۷	متوسط کل کشور

\* کمتر از ۲ هکتار = ۱۰۰

مأخذ: سرشماری عمومی کشاورزی ۱۳۶۷، نتایج تفصیلی کل کشور

زمین انجام شده است.

### ۵. ترکیب و الگوی کشت

الگوی کشت را بر طبق نتایج آخرین سرشماری منتشر شده کشور (۱۳۶۷) که تنها منبع آماری دارای طبقات بهره‌برداری اراضی کشاورزی با این سطح وسیع از اطلاعات است، بازگو می‌کنیم. در نتایج این سرشماری آمارهای ۲۹ محصول زراعی به تفکیک ارائه شده که در این بررسی ۲۸ محصول را (به استثنای ذرت دانه‌ای که در سطح کشور فقط حدود نیم درصد از زیر کشت را تشکیل می‌دهد) تحت عنوان ۵ گروه اصلی محصولات کشاورزی شامل غلات، نباتات صنعتی، نباتات هلوفا‌های، سبزی و صیفی و حبوبات و یک محصول مهم صادراتی (زعفران) به شرح زیر طبقه‌بندی کرده‌ایم. اطلاعات براساس ۲۸ محصول درصددگیری شده است و به

عبارت دیگر سایر محصولات غیر مهم از محاسبات حذف شده است.

## ۱-۵. غلات

متوسط اراضی زیر کشت غلات در بهره‌برداری‌های کشور  $۷۸/۳\%$  است. از کل محصولات مورد بررسی  $۵۲/۵\%$  به کشت گندم،  $۲۱/۵\%$  به کشت جو،  $۰/۱\%$  به کشت ارزن و  $۴/۲\%$  به کشت برنج اختصاص داشته است.

نسبت مجموع مساحت زیر کشت غلات با وسعت اراضی کشاورزی بهره‌برداری‌های کشور همبستگی مثبت دارد. یعنی هرچه اندازه وسعت بهره‌برداری کوچک‌تر باشد نسبت مجموع اراضی زیر کشت غلات آن کمتر و به عکس هر اندازه مساحت بهره‌برداری بزرگ‌تر باشد نسبت این مجموع از اراضی زیر کشت بیش‌تر است.

نسبت مجموع اراضی زیر کشت غلات در بهره‌برداری‌های دهقانی کمتر از ۲ هکتار  $۷۳/۳\%$ ، در ۲ تا ۵ هکتار  $۷۵/۵\%$ ، در ۵ تا ۱۰ هکتار  $۷۶/۸\%$ ، در ۱۰ تا ۲۵ هکتار  $۷۹/۲\%$  و در ۲۵ تا ۵۰ هکتار  $۸۱/۲\%$  است. این نسبت در بهره‌برداری‌های مختلط دهقانی - تجاری (۵۰ تا ۱۰۰ هکتار) به  $۸۲/۸\%$  و در بهره‌برداری‌های کاملاً تجاری (۱۰۰ هکتار و بیشتر) به  $۷۹/۲\%$  می‌رسد. ۱-۵. اراضی زیر کشت گندم بهره‌برداری‌های کشور معادل  $۵۲/۵\%$  است. عملیات کاشت، داشت و برداشت این محصول در مقایسه با بازدهی اقتصادی آن بالنسبه به تعدادکارگر کمتری نیاز دارد. بنابراین بهره‌برداری‌های دهقانی کوچک کمتر به کاشت این محصول اقدام کرده و در مقایسه با بهره‌برداری‌های دهقانی متوسط و بزرگ نسبت کمتری از اراضی زیر کشت بهره‌برداری را به کشت این محصول اختصاص می‌دهند. بهره‌برداری‌های دهقانی کوچک کمتر از ۲ هکتاری فقط  $۳۲/۸\%$  از اراضی زیر کشت را به کاشت گندم اختصاص می‌دهند، درحالی‌که بهره‌برداری دهقانی ۲۵ تا ۵۰ هکتاری  $۵۸/۲\%$  ( $۱/۸$  برابر) از اراضی زیر کشت خود را زیر کشت گندم می‌برند. این نسبت در بهره‌برداری‌های مختلط دهقانی - تجاری (۵۰ تا ۱۰۰ هکتار) به حداکثر زیر کشت ( $۵۹/۴\%$ ) افزایش می‌یابد. شایان ذکر است که نسبت اراضی زیر کشت گندم در بهره‌برداری دهقانی ۲ تا ۵ هکتاری  $۴۶/۶\%$ ، در ۵ تا ۱۰ هکتاری  $۵۲/۱\%$  و در ۱۰ تا ۲۵ هکتاری  $۵۵/۱\%$  است. این نسبت در بهره‌برداری‌های تجاری ۱۰۰ هکتاری و بیشتر کشور برابر با

۵۳/۷٪ است.

۵-۱-۲. جو: متوسط نسبت زیر کشت جو در بهره‌برداری‌های کشور برابر با ۲۱/۵٪ است. نسبت زیر کشت جو با وسعت اراضی کشاورزی در بهره‌برداری‌های دهقانی کشور همبستگی مثبت دارد. به سخن دیگر همراه با افزایش اندازه بهره‌برداری نسبت زیر کشت این محصول افزایش و با کاهش اندازه بهره‌برداری این نسبت کاهش می‌یابد.

در بهره‌برداری‌های دهقانی کمتر از ۲ هکتار نسبت زیر کشت به کل اراضی زیر کشت زراعی برابر با ۱۱/۳٪، در ۲ تا ۵ هکتار ۱۸/۴٪، در ۵ تا ۱۰ هکتار ۲۲/۲٪، در ۱۰ تا ۲۵ هکتار ۲۳٪ و در ۲۵ تا ۵۰ هکتار ۲۲/۴٪ است. این نسبت در بهره‌برداری‌های مختلط دهقانی - تجاری ۲۳٪ و در بهره‌برداری‌های کاملاً تجاری ۲۵/۲٪ است. به عبارت دیگر فاصله حداقل نسبت زیر کشت با حداکثر زیر کشت در بین بهره‌برداری‌های دهقانی تا ۵۰ هکتار حدود ۲ برابر و بین واحدهای بهره‌برداری دهقانی کوچک کمتر از ۲ هکتار تا واحدهای بهره‌برداری کاملاً تجاری حدود ۲/۲ برابر است.

۵-۱-۳. برنج: محصول برنج به دلیل آنکه در مراحل کاشت، داشت و برداشت به نیروی کار فراوانی نیاز دارد، اصلی‌ترین محصول گروه غلات است که بخش مهمی از اراضی بهره‌برداری‌های کوچک در برخی مناطق کشور؛ بویژه در شمال ایران به کشت آن اختصاص دارد. از این رو بهره‌برداری‌های دهقانی کوچک به رغم عدم استقبال از کاشت سایر محصولات گروه غلات به کاشت این محصول تمایل و علاقمندی زیادی نشان می‌دهند.

در حالی که متوسط نسبت زمین زیر کشت محصول برنج در بهره‌برداری‌های کشور برابر با ۴/۲٪ است. این نسبت در بهره‌برداری‌های دهقانی (کمتر از ۲ هکتار) به ۲۹٪ (حدود ۷ برابر بیش‌تر از متوسط کل کشور) افزایش می‌یابد. این نسبت زیر کشت فوق‌العاده بالای (حدود یک سوم) بهره‌برداری‌های دهقانی کوچک ۵۸ برابر (۵/۰ درصد در مقابل ۲۹ درصد) بیش از نسبت زیر کشت برنج در بهره‌برداری‌های دهقانی بزرگ (۲۵ تا ۵۰ هکتار) و ۹۷ برابر بیش‌تر از نسبت زیر کشت برنج در بهره‌برداری مختلط دهقانی - تجاری و بهره‌برداری‌های کاملاً تجاری (۳/۰ درصد در مقابل ۲۹ درصد) است.

بالا بودن نسبت اراضی زیر کشت برنج در بهره‌برداری‌های دهقانی و به ویژه در بین



بهره‌برداری‌های دهقانی کوچک موجب افزایش بسیار زیاد عملکرد در هکتار در میان این بهره‌برداری‌ها در مقایسه با سایر بهره‌برداری‌های کشور می‌گردد.

## ۲-۵. نباتات صنعتی

متوسط نسبت زیر کشت نباتات صنعتی (مشمول بر چغندر، پنبه، توتون و تنباکو و دانه‌های روغنی، آفتابگردان و سویا) در بهره‌برداری‌های کشور برابر با  $3/8\%$  است. این نسبت در بهره‌برداری‌های کمتر از ۲ هکتار  $4/5\%$ ، در ۲ تا ۵ هکتار  $5/4\%$ ، در ۵ تا ۱۰ هکتار  $4/1\%$ ، در ۱۰ تا ۲۵ هکتار  $3/1\%$  و در بهره‌برداری‌های ۲۵ تا ۵۰ هکتار  $2/7\%$  است. نسبت فوق در بهره‌برداری‌های مختلط ۵۰ تا ۱۰۰ هکتار و بهره‌برداری‌های ۱۰۰ هکتار و بیشتر به  $5/7\%$  افزایش می‌یابد.

## ۳-۵. حبوبات

متوسط نسبت زیر کشت حبوبات (نخود، انواع لوبیا، عدس و باقلا) در بهره‌برداری‌های کشور  $4/3\%$  است.

این نسبت در میان طبقات مختلف بهره‌برداری دهقانی بین  $2/7\%$  (در بهره‌برداری‌های کمتر از ۲ هکتار) تا  $5/2\%$  (در بهره‌برداری ۱۰ تا ۲۵ هکتار) در نوسان است. نسبت فوق در بهره‌برداری‌های مختلط دهقانی - تجاری برابر با  $3/1\%$  و در بهره‌برداری‌های کاملاً تجاری برابر با  $2/1\%$  است.

## ۴-۵. سبزی و صیفی

متوسط نسبت زیر کشت سبزی و صیفی (تره‌بان) مشتمل بر سیب‌زمینی، پیاز، گوجه‌فرنگی، خیار، هندوانه و خربزه و سایر انواع سبزی و صیفی به کل زیر کشت در بهره‌برداری‌های کشور  $4/5\%$  درصد است. این نسبت در بهره‌برداری‌های کوچک دهقانی کمتر از ۲ هکتار بالاترین نسبت ( $7/7\%$ ) در میان مجموع بهره‌برداری‌های دهقانی، مختلط و کاملاً تجاری کشور است. به سخن دیگر نسبت فوق در بهره‌برداری‌های کوچک دهقانی در مقایسه با

بهره‌برداری‌های مختلط دهقانی - تجاری و بهره‌برداری‌های کاملاً تجاری  $1/7$  برابر است. نسبت زیرکشت گروه سبزی و صیفی در گروه بهره‌برداری‌های  $2$  تا  $5$  هکتار  $5/7$ ،  $10$  تا  $25$  هکتار  $4/7$ ،  $25$  تا  $50$  هکتار  $3/9$  و در بهره‌برداری‌های دهقانی بزرگ ( $50$  تا  $50$  هکتار)  $3/6$  است. نسبت فوق در بهره‌برداری‌های مختلط دهقانی - تجاری  $3/7$  و در بهره‌برداری‌های کاملاً تجاری  $4/7$  است.

شایان ذکر است که مزیت نسبی اختصاص نسبت اراضی زیرکشت این گروه از محصولات که بعضاً نیز صادراتی هستند در مرتبه اول به گروه بهره‌برداری‌های کمتر از  $2$  هکتار با  $7/7$ ، در مرتبه دوم در گروه بهره‌برداری‌های  $2$  تا  $5$  هکتار با  $5/7$  و در مرتبه سوم به گروه بهره‌برداری‌های  $5$  تا  $10$  هکتار دهقانی و نیز به گروه بهره‌برداری‌های کاملاً تجاری ( $4/7$  درصد) مربوط می‌شود.

این موضوع مؤید این مطلب است که بهره‌برداری‌های کوچک دهقانی کشور و حتی مجموع بهره‌برداری‌های دهقانی کشور از ادغام کشاورزی ایران در بازارهای جهانی سود خواهند برد. زیرا که کاشت محصولات کارگربر از سوی بطور مستقیم موجب سوددهی بیشتر تولید در واحدهای بهره‌برداری دهقانی (با توجه به اندازه زمین و نیروی کار فراوان خانوادگی) می‌شود و از سوی دیگر بطور غیرمستقیم نیز متضمن منفعت بیش‌تر این واحدهای بهره‌برداری از طریق عرضه و فروش نیروی کارشان به واحدهای بهره‌برداری مختلط دهقانی - تجاری و واحدهای بهره‌برداری تجاری دارای کاشت محصولات صادراتی است که در صورت توسعه صادرات محصولات کشاورزی و جهت‌یابی واحدهای مذکور به سوی تولید این قبیل محصولات صادراتی محقق خواهد شد.

## ۵-۵. زعفران

متوسط اراضی زیرکشت این محصول صادراتی به کل اراضی زیرکشت بهره‌برداری‌های کشور فقط  $1/1$  درصد است. این نسبت اندک در بهره‌برداری‌های دهقانی کوچک کمتر از  $2$  هکتار به  $4$  برابر یعنی  $4/4$  درصد افزایش می‌یابد. مزیت نسبی از طریق اختصاص سهم زیرکشت بالنسبه زیاده‌تر به کاشت این محصول در مرتبه اول به بهره‌برداری‌های دهقانی کمتر از  $2$

هکتار و در مرتبه بعد به بهره‌برداری‌های دهقانی ۲ تا ۱۰ هکتار اختصاص دارد. شایان ذکر است که نسبت زیرکشت این محصول در بهره‌برداری‌های بالای ۱۰ هکتار بسیار اندک (در حد ۰/۰۱ تا ۰/۰۴ درصد) است.

## ۶-۵. نباتات علوفه‌ای

نسبت زیرکشت نباتات علوفه‌ای در میان بهره‌برداری‌های کشور حدود ۹٪ است. بالا بودن نسبی سهم زیرکشت نباتات علوفه‌ای (یونجه، شبدر، اسپرس و سایر نباتات علوفه‌ای) در میان بهره‌برداری‌های کشور از فعالیت توأماً زراعی، باغی و دامی در واحدهای بهره‌برداری ناشی می‌شود. هم از این‌روی بین نسبت زیرکشت این گروه از محصول با اندازه واحد بهره‌برداری همبستگی معکوس وجود دارد، به عبارت دیگر همراه با افزایش وسعت اراضی کشاورزی نسبت زیرکشت گروه نباتات علوفه‌ای مورد بررسی کاهش و با کاهش اندازه اراضی کشاورزی نسبت زیرکشت این گروه از محصول افزایش می‌یابد.

نسبت اراضی زیرکشت نباتات علوفه‌ای در بهره‌برداری‌های دهقانی کمتر از ۲ هکتار برابر با ۱۱/۴٪، در ۲ تا ۵ هکتار ۹/۹٪، در ۵ تا ۱۰ هکتار ۹/۶٪، در ۱۰ تا ۲۵ هکتار ۸/۵٪ و در ۲۵ تا ۵۰ هکتار ۷/۸٪ است. نسبت فوق در بهره‌برداری‌های مختلط دهقانی - تجاری ۵۰ تا ۱۰۰ هکتار ۶/۹٪ و در بهره‌برداری‌های تجاری بیش از ۱۰۰ هکتار ۸/۲٪ است.

## ۶-۶. عملکرد در هکتار ۲ محصول منتخب (گندم و جو)

همان‌طور که اشاره شد در حدود سه چهارم (۷۴٪) از اراضی زیرکشت کشور به کاشت دو محصول گندم و جو اختصاص دارد. از این‌رو در اینجا بازدهی در هکتار این دو محصول مهم در انواع و طبقات مختلف بهره‌برداری کشاورزی کشور با یکدیگر مقایسه شده‌اند.

## ۶-۶-۱ گندم

براساس سرشماری کشاورزی سال ۶۷ میانگین بازدهی گندم (آبی و دیم) در سال ۱۳۶۷ در میان بهره‌برداری‌های کشور برابر با ۱۰۹۱ کیلوگرم در هکتار بوده است. بالاترین میزان

عملکرد در هکتار این محصول به بهره‌برداری‌های دهقانی کمتر از ۲۰ هکتار (۱۶۸۸ کیلوگرم) و پائین‌ترین میزان بازدهی در هکتار گندم (۹۰۱ کیلوگرم) به بهره‌برداری‌های بزرگ دهقانی (۲۵ تا ۵۰ هکتار) تعلق دارد. به سخن دیگر، عملکرد در هکتار بهره‌برداری‌های دهقانی کوچک (کمتر از ۲ هکتار) گندمکار حدود  $1/9$  برابر بیش از عملکرد بهره‌برداری‌های دهقانی بزرگ (۲۵ تا ۵۰ هکتار) است. به این ترتیب درآمد ناخالص یک هکتار گندم در بهره‌برداری‌های کوچک دهقانی حدود  $1/9$  برابر همین نوع درآمد در بهره‌برداری‌های بزرگ دهقانی است.

میانگین بازدهی در هکتار گندم در بهره‌برداری‌های ۲ تا ۵ هکتار برابر با ۱۲۹۲ کیلوگرم، در ۵ تا ۱۰ هکتار ۱۱۲۵ کیلوگرم و در ۱۰ تا ۲۵ هکتار ۹۴۸ کیلوگرم است. میزان عملکرد در هکتار این محصول در بهره‌برداری‌های مختلف دهقانی - تجاری و بهره‌برداری‌های کاملاً تجاری به ترتیب ۹۶۱ کیلوگرم و ۱۵۷۵ کیلوگرم است.

## ۶.۲. جو

متوسط بازدهی در هکتار جو در مجموع بهره‌برداری کشور بر طبق سرشماری سال ۶۷ برابر با ۱۱۹۴ کیلوگرم است. بالاترین میزان بازدهی در بهره‌برداری‌های دهقانی (تا ۵۰ هکتار) به بهره‌برداری‌های دهقانی کوچک (تا ۲ هکتار) و پائین‌ترین آن به بهره‌برداری‌های بزرگ دهقانی (۲۵ تا ۵۰ هکتار) تعلق دارد. به عبارت دیگر عملکرد در هکتار اقتصادی بهره‌برداری‌های دهقانی کوچک در زمینه کشت جو  $1/8$  برابر بیش‌تر از عملکرد بهره‌برداری‌های بزرگ دهقانی است.

میزان عملکرد در هکتار جو در بهره‌برداری‌های دهقانی ۲ تا ۵ هکتار برابر با ۱۳۵۳ کیلوگرم، در ۵ تا ۱۰ هکتار ۱۱۸۹ کیلوگرم، در ۱۰ تا ۲۵ هکتار ۱۰۲۵ کیلوگرم و در ۲۵ تا ۵۰ هکتار برابر با ۱۰۱۱ کیلوگرم است. این عملکرد در بهره‌برداری‌های مختلط دهقانی - تجاری ۱۰۹۷ کیلوگرم و در بهره‌برداری‌های تجاری ۱۹۳۲ کیلوگرم است.

شایان ذکر است که عملکرد در هکتار اکثریت قریب به اتفاق محصولات زراعی بهره‌برداری‌های دهقانی کوچک بیش‌تر از بهره‌برداری‌های دهقانی متوسط و بزرگ است.

## نتیجه‌گیری

از مقایسه ساختار ترکیب اراضی کشاورزی کشور روشن می‌شود که ترکیب کاربری زمین و میزان بازدهی اقتصادی در واحدهای دهقانی با واحدهای مختلط و یا کاملاً تجاری تفاوت دارد و این تفاوت عمدتاً مربوط به نحوه تخصیص حامل نیروی انسانی برای تولید است. این مقایسه در مقاله کنونی در زمینه‌های زیر انجام گرفته است:

نسبت اراضی قابل کشت، نسبت اراضی زیرکشت به تفکیک زراعی و باغ و قلمستان در مجموع اراضی آبی و دیم و در اراضی آبی و نسبت اراضی زیر کشت محصولات سالانه به تفکیک گروه‌های غلات، نباتات صنعتی، سبزی و صیفی، نباتات علوفه‌ای و برخی محصولات مهم و صادراتی نظیر زعفران. بر این اساس ساختار تولید در انواع بهره‌برداری‌های دهقانی، دهقانی - تجاری و کاملاً تجاری مورد سنجش و ارزیابی تطبیقی قرار گرفته است.

این وضعیت گویای قابلیت واحدهای دهقانی کوچک و متوسط برای کشت محصولات سالانه صادراتی است که کشور با توجه به نیروی انسانی (عامل کار)، در آن دارای مزیت نسبی است.

مسائل حقوقی، بورژوازی سیاست‌های حقوقی - اجتماعی مالکیت، مانع مهمی در راه توسعه تولید محصولات کشاورزی (زراعی و باغی) و در نتیجه در راه گسترش کشت تجاری و توسعه صادرات در این بخش است.

علاوه بر این، مسائل دیگری در این زمینه مؤثر است که از آن جمله‌اند: عدم تثبیت وضعیت مالکیت ارضی در حد قابل قبول جامعه دهقانی و روستایی، نبود شرایط و تسهیلات لازم در مورد خرید و فروش اراضی، نبود ارتباط توسعه یافته بین بخش کشاورزی ایران با بازارهای جهانی، نبود بازار وسیع برای تولیدات با ارزش افزوده بالا، نبود شبکه توزیع مناسب، ناکامل بودن صنایع بسته‌بندی، کمبود سرمایه‌گذاری و مانند اینها.

موانع موجود حقوقی - اجتماعی در جامعه دهقانی - روستایی موجب عدم استفاده از نیروی کار دستمزدی در سطح وسیع در واحدهای بهره‌برداری کشور و به خصوص در واحدهای بهره‌برداری دهقانی - تجاری و در واحدهای بهره‌برداری کاملاً تجاری می‌شود. برآیند این وضعیت موجب عدم بهره‌برداری و استفاده کامل از عوامل تولید به خصوص زمین و آب و

محدود شدن میزان و تنوع عملکرد اقتصادی تولیدات این بخش می‌شود. سالانه بخش مهمی (۵/۴ میلیون هکتار) از بهترین اراضی قابل کشت کشور به صورت آیش مانده و به زیر کشت نمی‌رود. اصلی‌ترین میزان اراضی آیش به بهره‌برداری‌های متوسط و بزرگ مقیاس اختصاص دارد. وانگهی فقط بخش کوچکی از اراضی زیر کشت سالانه کشور به کاشت محصولات نقدی و تجاری کارگبر اختصاص دارد. افزون بر این بازدهی در هکتار و بازدهی اقتصادی هر هکتار از اراضی زیر کشت در طبقات مختلف بهره‌برداری بسیار متفاوت است.

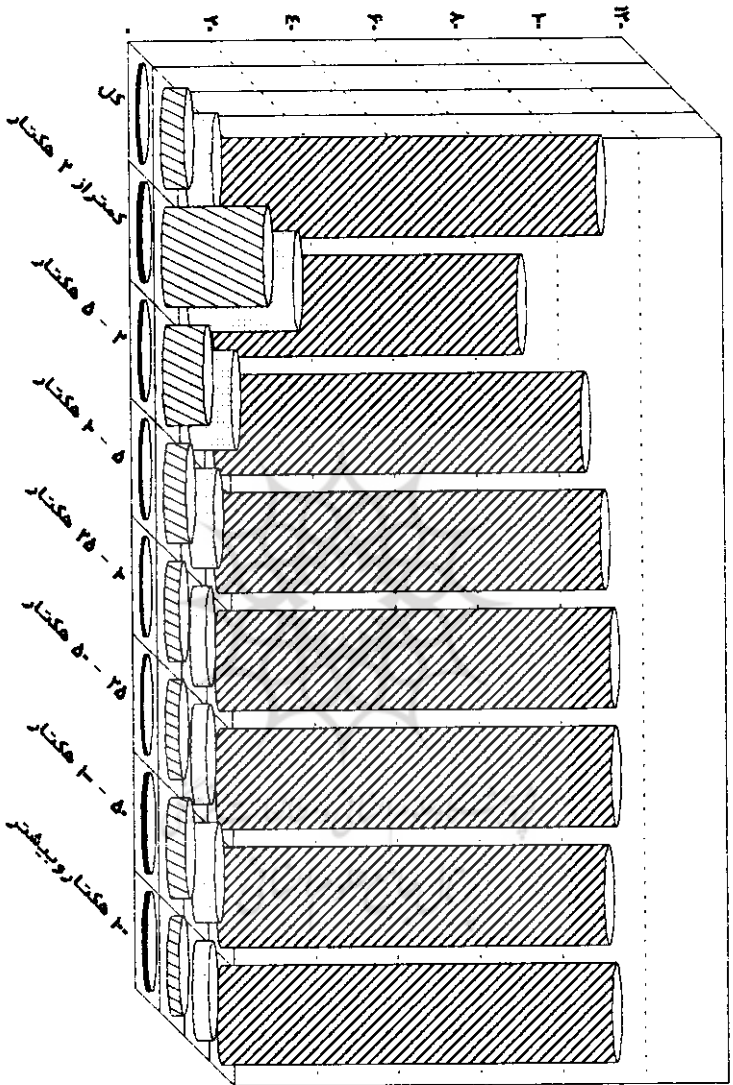
از مقایسه‌الگوی کشت در انواع واحدهای بهره‌برداری دهقانی (سنتی) و تجاری روشن می‌شود که کشت محصولات نقدی (و تجاری) در واحدهای دهقانی کوچک در مقایسه با واحدهای بزرگ مقیاس‌تر دهقانی و تجاری به مراتب سهم و اهمیت بیشتری دارند. بنابر این واحدهای کوچک به لحاظ تخصیص بهینه‌تر نیروی کار و امکانات قابلیت همگامی بیشتری با نیازهای بازار داخلی داشته یحتمل این قابلیت را در شرایط ادغام بازار داخلی با بازارهای جهانی نیز حفظ خواهند کرد.

پیش‌بینی می‌شود که بهره‌برداری‌های دهقانی و بویژه بهره‌برداری‌های کوچک از ادغام کشاورزی کشور در بازارهای جهانی سود ببرند. بر این اساس می‌توان و بلکه باید، در برنامه‌ریزی توسعه صادرات و جهت‌گیری بخش به سوی ادغام در بازارهای جهانی، روی قابلیت بهره‌برداری‌های دهقانی برای پاسخگویی به نیازهای بازارهای جهانی حساب کرد، و امیدوار بود که این فرآیند به نوسازی در این ساختار کشاورزی سنتی و در نتیجه به توسعه درونزا و پایدار کشاورزی در کشور بینجامد.

برگزیده مقالات سمینار کشاورزی ایران و بازارهای جهانی

نیات	زعفران	سبزی و صیفی					میوه‌ها	نیات صنفی					فلات					وسعت اراضی کشاورزی (به هکتار)				
		جمع	سایر	مشلواله وخرابره	خیار	گوجه نورنگی		پیاز	سیب زمینی	جمع نیات صنفی	جمع نیات	فاله‌های روشنی	فاله‌های تیره	توتون	وشتابگو آبگیرها	سویا	جمع		برنج	ارزن	جو	گندم
131.9	70	2278	2122	1474	2071	2078	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	121818
7/	1/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	100/0
2522	222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222
11/2	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	2222
12222	122	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222
7/	1/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	7/	100/0
131.9	70	2278	2122	1474	2071	2078	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	2222	121818

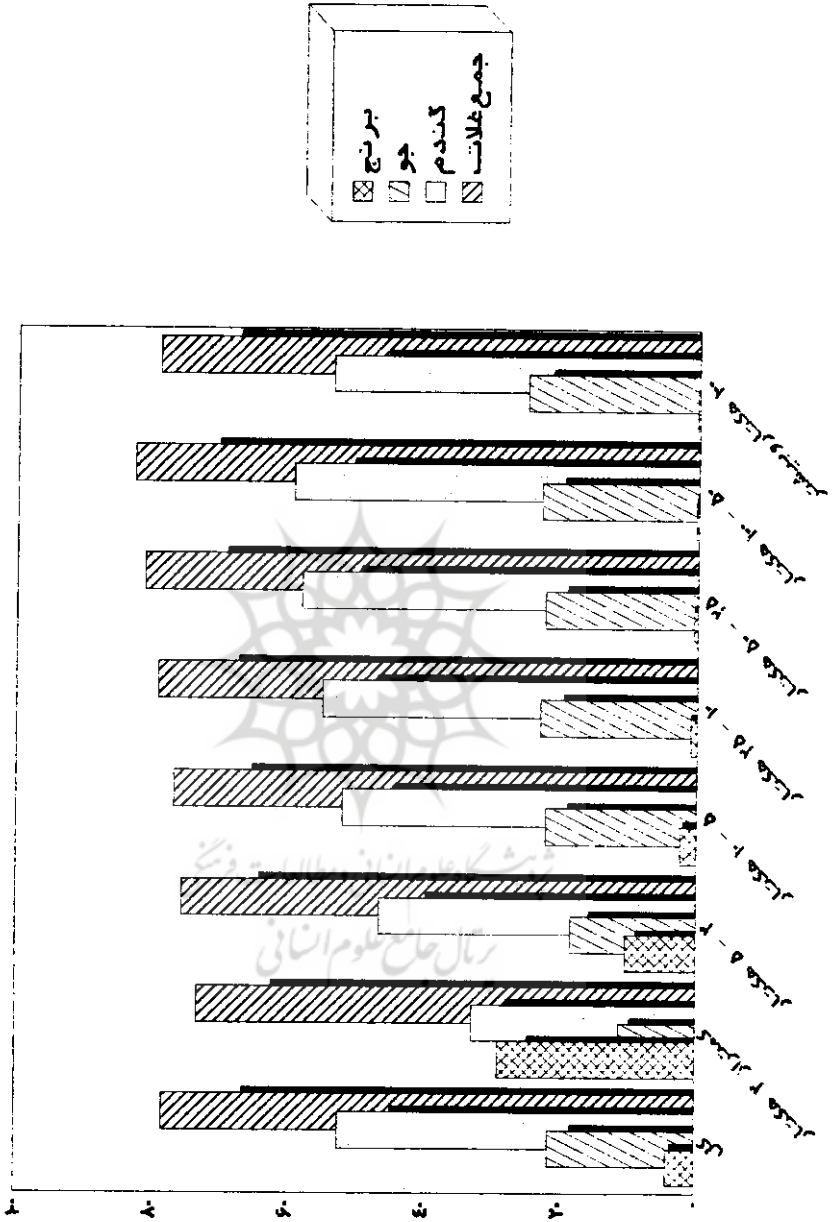
# توزیع بهر هکتار نسبتاً اراضی زراعی و باغ و قلمستان



نسبت اراضی زراعی  
 جمع باغ و قلمستان  
 باغ و قلمستان



توزیع بهره‌برداران هابری حسب نسبت اراضی زیر کشت غلات به تفکیک جو و برنج



توزیع بهر هکتار دارای ها بر حسب نسبت اراضی زیر کشت نباتات صنعتی  
سبزی و میوه در مهران و نباتات معمره

